

ویژگی‌های شهر خوب در اندیشه ایران شهری^۱

* احسان بابائی سالانتوج

** محمد مسعود

*** کامران ربیعی

E-mail: ehsanbabaeisal@gmail.com

E-mail: m.masoud@au.ac.ir

E-mail: k.rabiei@modars.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۸

چکیده

دیدگاه‌های مختلف درخصوص شهر خوب ضمن ارائه‌ی تصویری از یک جامعه مطلوب، می‌توانند برای ارزیابی سکونت‌گاه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته و راهنمایی‌هایی برای حرفه و عمل شهرسازی به دست دهند. این نظریه‌ها به تبعیت از ماهیت هنجاری خود، حامل ارزشی مشخصی هستند. بر این اساس از یک سو استفاده از آنها مستلزم شناخت این زیربناهای ارزشی است و از سوی دیگر در هر بستر مشخص باید نسبت به ارائه‌ی مولفه‌ها و ویژگی‌های شهر خوب بر اساس ویژگی‌ها، ارزش‌ها و باورهای بومی اقدام شود. این مقاله در پی آن است که به تبیین و ارائه مؤلفه‌های شهر خوب در اندیشه ایران شهری بپردازد و برای این کار از روش تحلیل موقعیت بهره گرفته است. تحلیل موقعیت یکی از نسخه‌های روش نظریه‌ی زمینه‌ای است که با نقشه‌ای کردن داده‌های مختلف، تصویر بزرگ یا خبر بزرگ در خصوص موقعیت مورد بررسی را تشریح می‌کند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های شهر خوب در اندیشه ایران شهری را می‌توان ذیل ۵ مؤلفه و ۱۴ زیر مؤلفه تبیین کرد: زیست‌پذیری (با زیرمؤلفه‌های امنیت، رفاه و کفایت)؛ زمان‌مندی (با زیرمؤلفه‌های ثبات فرهنگی و بازخوانی هویتی)؛ خرد (با زیرمؤلفه‌های نظم، تعادل و حکمت)؛ هویت (با زیرمؤلفه‌های هویت آسمانی، هویت آئینی و هویت ملی)؛ و تعامل (با زیرمؤلفه‌های رواداری، مهر با طبیعت و تعامل و مهر با اجتماع).

کلید واژه‌ها: اندیشه ایران شهری، تحلیل موقعیت، شهر خوب، هویت ملی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تبیین مؤلفه‌های شکل شهر خوب در فرهنگ ایرانی - اسلامی» در دانشگاه هنر اصفهان و سال ۱۳۹۷ است.

* دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان

** دانشیار شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده‌ی مسئول

*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

دانش و حرفه شهرسازی از چشم‌اندازی به شهر خوب متولد شده است. شهرسازان، در واکنش به مشکلات شهر صنعتی، در پی آفرینش شهری بودند که در آن محیط ناسالم و ساختار اجتماعی سرمایه‌داری صنعتی به وسیله نظم‌دهی مجدد به سازمان محیطی و اجتماعی دگرگون شود، و در عین حال نقاط مثبت آن حفظ شود. امید آن بود که تمامی شهروندان بتوانند با یاری‌گیری از خرد و منطق از مزایای زیبایی، اجتماع‌پذیری و دموکراسی بهره‌مند شوند (فین‌اشتاین، ۱۹۹۹: ۲۴۹). در دهه‌های اخیر نظریه‌پردازان و متفکران مختلف دلایل دیگری برای توجه به شهر خوب و به‌ویژه شکل شهر خوب ارائه داده‌اند از جمله: نقشی که تصویر یک جامعه/شهر خوب می‌تواند ایفا کند؛ امکان استفاده از نظریات هنجاری و مؤلفه‌های شکل شهر خوب برای ارزیابی سکونت‌گاه‌های کنونی یا آینده؛ ارائه راهنمایی عینی برای حرفه و عمل شهرسازی و نتیجتاً افزایش اعتبار حرفه‌ای؛ ایجاد ارتباط منطقی میان طراحی و برنامه‌ریزی شهری با موضوعات حائز اهمیت همچون زیبایی، فرهنگ، اخلاقیات و غیره (برای نمونه لینچ، ۱۳۸۴؛ تیلن و ایس، ۲۰۰۲؛ جاج، استوکر و ولمن، ۱۹۹۵؛ فلایبرگ، ۱۹۹۸؛ بنایی، ۱۹۹۶).

در نیمه اول قرن بیستم و متأثر از دیدگاه‌های اثبات‌باور، مطالعات شهری به‌طور عام و پژوهش‌های مرتبط با شهر خوب به‌طور خاص، معتقد بود که رهیافت درست در مطالعه جامعه انسانی و از جمله شهر و شهرسازی باید بر پایه روش‌های علمی مدل‌سازی شده باشند و بر این اساس در پی دستیابی به یک دانش عینی و رها از ارزش در مورد جامعه بود به گونه‌ای که متأثر از ارزش‌های فرد جست‌وجوگر نباشد (عبدی دانشپور، ۱۳۹۰: ۷۰). با این تفکر، جامعه هم‌چون یک واقعیت بیرونی و عینی در نظر گرفته می‌شد. این دیدگاه در دوره پسااثبات باوری مورد انتقاد و انکار قرار گرفت و توجه به ارزش‌ها و اصول مقبول جامعه اهمیت یافت.

فریدمن استدلال کرده است اگر به اصول شهر خوب به مثابه اموری دل‌خواه نگرسته نشود، باید از جایی دریافت شده باشند، به بیان دیگر این اصول باید به لحاظ استدلالی به برخی ارزش‌های پایه مرتبط باشند (فریدمن، ۲۰۰۰: ۱۶۶). بر این اساس اصول ارزشی زیربنای نظریات مرتبط با شهر خوب از مهم‌ترین عوامل تنوع و گوناگونی آنها است. گرچه می‌توان استدلال کرد که شماری از این نظریه‌ها معیارهای ارزشی خود را صریحاً ابراز و توجیه نکرده‌اند و آنها را صرفاً حقایقی مسلم و بدیهی برشمرده‌اند، با این حال مجموعه بزرگی از رویکردها و نظریات مرتبط با شهر براساس

زیربناهای ارزشی مشخصی ارائه شده‌اند. این ارزش‌ها طیف گسترده‌ای از فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی انسان (فریدمن، ۲۰۰۰: ۴۶۲) تا عدالت (هاروی و بران، ۱۹۹۶؛ فین‌اشتاين، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۶)، اصول و ویژگی‌های مربوط به عقلانیت ارتباطی (امین، ۲۰۰۶؛ هیلی، ۲۰۰۳؛ فورستر، ۱۹۸۸) و تجارب پیشین طراحی و برنامه‌ریزی شهری (جیکوبز و اپلیارد، ۱۹۸۷؛ لکیز و مک‌کورمیک، ۲۰۰۰) را دربرمی‌گیرد.

در قرن بیست‌ویکم همچنان رشد و توسعه نظریه‌های هنجاری درخصوص شهر خوب ادامه دارد و دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص ارائه شده است. در این میان بررسی و مذاقه در مختصات و ویژگی‌ها و به‌ویژه بنیادهای ارزشی هر یک از این نظریات برای اقتباس و استفاده از آنها در هر زمینه و محیطی و از جمله در کشور ما حائز اهمیت است. علاوه بر آن ارائه نظریه‌هایی درخصوص ویژگی‌های شهر خوب با توجه به ویژگی‌ها و باورها و ارزش‌های بومی باید مورد توجه قرار بگیرد.

بازخوانی و گشودن زوایای پنهان نظام فکری ایرانیان همواره ضرورت هرگونه پژوهش ایران‌شناسی است و حتی امروزه نیز برای فهم سنت‌های اندیشگی و گفتمان‌های متعامل در جامعه ایران، گریزی از رجوع به این منبع تأثیرگذار و پویا نیست (قادری و رستم‌وندی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). نوشتار حاضر در پی آن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل موقعیت و با تحلیل اندیشه ایران‌شهری به بررسی و ارائه‌ی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر خوب بپردازد. در این مسیر پاسخگویی به یک سؤال اصلی مورد نظر است: شهر خوب در گفتمان ایران‌شهری چه مؤلفه‌هایی دارد؟

چارچوب مفهومی

ایران‌شهر مفهومی ابهام‌آلود است. از یک‌سو مفهومی است جغرافیایی که اردشیر اول آن را برای نامیدن قلمرو سرزمینی ایران برگزیده و از سوی دیگر مفهومی سیاسی و فرهنگی است (محامد تبریزی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). این واژه در تحولات تاریخی ایران سیر خاص خود را دارد. در متون مربوط به دوره‌های کیانی و هخامنشی واژه‌هایی به چشم می‌خورد که به سرزمین ایران اشاره دارند، واژه‌هایی نظیر «ایریوشیانم» یا «ایریوانینگهونام». در متون اوستایی واژه «خونیرس» دیده می‌شود. بعدها به جای «خونیرس» از واژه «ایرانوم وئیچه» استفاده شد که به واژه آشنای «ایرانویچ» تبدیل گشت. احتمالاً از اواسط دوران اشکانی بود که کم‌کم واژه «ایران‌شهر» وارد متون شد و در دوره ساسانی رایج شد و بعد از اسلام هم مورد استفاده قرار گرفت (احمدی، ۱۳۹۵: ۵).

سیدجواد طباطبایی از این واژه برای توضیح تداوم تاریخی ایران زمین بهره برده و به مفهوم پردازی جدیدی به نام «اندیشه ایران شهری» پرداخته است. وی در توضیح سیر ماهیت این اندیشه می‌گوید مفردات اصلی اندیشه فلسفی دوره باستان در دوره اسلامی تداوم پیدا کرده است (سیف‌الدینی، ۱۳۹۶: ۵) و بر این اساس عنوان می‌کند که اندیشه ایران شهری اندیشه‌ای است که دو بخش تاریخ ایران زمین، یعنی دوران باستان و دوره بعد از اسلام را به هم پیوند می‌دهد و تداوم تاریخی، فرهنگی و اندیشگی ایران را تضمین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

مرزهای جغرافیایی ایران هرچند در طول تاریخ متغیر بوده است، به نظر می‌رسد که از ایام کهن، درکی فرهنگی نسبت به مفهوم ایران، فراتر از گسست‌های تاریخی، مذهبی و حتی قومی وجود داشته است. به این ترتیب می‌توان از حوزه فرهنگی و سنتی مستقل و پایداری با عنوان سنت ایران شهری سخن گفت که وجوه مختلف سیاسی - فکری دارد و مبتنی بر نوعی ویژه از نگرش به جهان و پدیده‌های هستی است (بستانی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). از نظر طباطبایی استمرار تاریخی در کنار زبان و اندیشه فلسفی و اندیشه ایران شهری یکی از عمده‌ترین عوامل تداوم ایران زمین به شمار می‌آید و تأمل درباره هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان جز از مجرای تحلیل اندیشه سیاسی ایران شهری امکان‌پذیر نیست (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۰). این اندیشه و حکمتی که هم علت و هم معلول آن است، بن‌مایه‌های سنت‌های زیست و تولید جهان فرهنگی ایران زمین شده است که علی‌رغم آسیب‌ها و گسست‌های بنیان‌کن تاریخی، استمرار یافته و قدرتمندانه به حیات خود ادامه داده است. آنچه ذیل اندیشه ایران شهری تعریف شده ابعاد گسترده‌ای دارد و به شهر، به‌ویژه در مفهوم کنونی آن، منحصر نیست، اما شهر و اندیشه ایران شهری پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند و از روزگارانی دور شهر بستری برای تحقق این اندیشه بوده است، چیزی که حبیبی آن را تحقق کالبدی فضایی صوری خیالی می‌داند، «صوری که همیشه به رسم زمانه عیاری و طنازی کرده و می‌کند. شهر مکانی بوده است برای بازخوانی صور خیالی و در هر زمانی و بنا بر رسم زمانی رختی نو بر قامت خود دوخته است» (حبیبی، ۱۳۹۴: ۷). پژوهشگران دیگر نیز به بررسی ویژگی‌های شهر در اندیشه ایران شهری پرداخته‌اند. به باور خوارزمی ایران شهر، شهری برای شاد زیستی و برآمده از معرفت‌شناسی ترکیب‌گر و عدم تقلیل است (خوارزمی، ۱۳۹۴: ۱۲). از سوی دیگر ایران شهر به مفهوم احیای معنای حقیقی شهر در معنویت، همچون بهشت دارالسلام، و محل سکناى ایران فرهنگی دانسته شده است، آنجا که سکونت با تسکین و آرامش همراه است (پازوکی،

۱۳۹۴: ۴). بر این اساس متون و اسناد مرتبط با اندیشه ایران‌شهری مختصاتی برای شهر ذکر کرده‌اند که بررسی سازمان‌یافته آنها می‌تواند به تدوین نظریه‌ای درخصوص ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر خوب در این اندیشه منجر شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل موقعیت انجام گرفته است. تحلیل موقعیت یکی از خوانش‌های متعدد نظریه زمینه‌ای است که به وسیله‌ی ادل کلارک (کلارک، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷) ارائه شده است. کلارک در پی آن است تا با رویکردی جدید به تحلیل، آن را به صورتی کامل‌تر به طرف چرخش پسامدرن سوق دهد. تحلیل موقعیت می‌تواند در مجموعه وسیعی از پروژه‌های انجام‌شده به وسیله مصاحبه، مردم‌نگاری، و نیز پژوهش‌های مبتنی بر داده‌های تاریخی، بصری و/یا سایر مواد گفتمانی شامل پژوهش چندسایتی استفاده شود.

کلارک (۲۰۰۵) در تحلیل موقعیت سه رویکرد اصلی مبتنی بر ترسیم نقشه را ارائه می‌دهد: - نقشه‌های موقعیت (دو نسخه ساخت‌نیافته و منظم) که مؤلفه‌های عمده انسانی، غیرانسانی، گفتمانی و سایر مؤلفه‌های موقعیت مورد بررسی را ترسیم کرده و تحلیل ارتباطات میان آنها را برمی‌انگیزد؛

- نقشه‌های جهان‌های اجتماعی/ عرصه‌ها که کارگزاران جمعی، مؤلفه‌های غیرانسانی کلیدی و نیز عرصه(های) التزام و گفتمانی را که در آنها مذاکرات مداوم را در جریان است ترسیم می‌کند. این نقشه‌ها تحلیل سطح میانی یا مزو از موقعیت ارائه می‌دهند؛ - نقشه‌های وضعیت که وضعیت‌های عمده اتخاذ شده، و اتخاذ نشده، در داده‌ها را براساس محورهای ویژه متفاوت، علاقه و تضاد پیرامون موضوعات در موقعیت مورد بررسی ترسیم می‌کند.

یافته‌ها

برای تبیین مؤلفه‌های شهر خوب در گفتمان ایران‌شهری، در مرحله نخست به بررسی متون، اسناد و داده‌های مربوطه پرداخته شد. بر این اساس مواد گفتمانی مربوطه براساس روش اشتراوس و کوربین (۱۳۹۲) و کلارک کدگذاری شدند و در هر مورد یادداشت‌های تحلیلی نگاشته شد. این کدها در ادامه در دو مرحله مورد استفاده قرار گرفتند: ترسیم نقشه‌های موقعیت و تبیین مؤلفه‌های شهر خوب براساس منطق نقشه وضعیت.

شکل شماره ۱ نسخه ساخت نیافته نقشه موقعیت را ارائه می‌دهد. در این نقشه تمامی مؤلفه‌ها و کنشگران انسانی و غیرانسانی فردی و جمعی، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، زمانی، فضایی و ساخت‌های گفتمانی مربوطه حضور دارند. بنابر استدلال کلارک (۲۰۱۵) برای ترسیم یک نقشه ساخت نیافته از موقعیت کافی است پژوهشگر تمامی مؤلفه‌های موجود در موقعیت مورد بررسی خود را بر روی برگه‌ای بنویسد. این نقشه در ادامه برای ترسیم نقشه رابطه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شکل ۱: نقشه موقعیت (نسخه ساخت نیافته) اندیشه ایران شهری

آئینی	نیروی خدایی	قلمروی آسمانی	نمادین بودن	تاسیسات آبرسانی
خواجه نظام‌الملک	فردوسی	آرامی	تاسیسات شهری	
زمان‌مندی	راستی/نیکویی/خیر	عدالت/عدل	یشت‌ها	نظم
پایداری/ثبات فرهنگی	دین و آئین	رفاه و آبادانی	هوتی (نه بازگشت هویتی)	امنیت
ارتباطات/گفتگو	نشاط	سید جواد طباطبایی	مهر با طبیعت	مدیریت تعارض
اسطوره	حوزه عمومی	بهشت زمینی	آموزشی و تعلیمی	خرد
شهر خیالی سه‌رودی	ورجمکرد	پشتوانه نظری و حکمی/حکمت	فضای عمومی	
تعامل	عمارت	کیمیگری	حقیقتی یگانه	مکتب اصفهان
تمدن	صوفیه	سلام/آرامش/تسکین	ایرانویچ	جنبه کیهانی
فائمیته به ذات	ساسانیان	روح ایرانی	آسمانی بودن	دوره اسلامی
عالم معنوی ایرانی	هویت ایرانی	فراسرزینی	عرفان و تصوف	هانری کرین
هویت ایرانی	وحدت در کثرت	اجتماع محلی	تعالف و مهر با اجتماع	

نقشه موقعیت: گفتمان ایران شهری

کلارک (۲۰۱۷) نسخه دیگری از نقشه موقعیت را تحت عنوان نقشه موقعیت منظم معرفی کرده است که با استفاده از نسخه ساخت نیافته ترسیم می‌شود. این نقشه (شکل شماره ۲) تمامی مؤلفه‌های حاضر در نقشه قبلی را ذیل گروه‌های مشخص دسته‌بندی

می‌کند. گام بعدی پس از ترسیم نقشه موقعیت، انجام تحلیل رابطه است. در تحلیل رابطه، پژوهشگر به ترتیب بر هر یک از مؤلفه‌های نقشه موقعیت متمرکز شده و درخصوص ارتباط آن با سایر عناصر و مؤلفه‌های نقشه به تفکر می‌پردازد و بین آنها و سایرین خطوطی ترسیم می‌کند. ماهیت ارتباط با توصیف ماهیت خطوط تعیین می‌شود. این کار به صورت نظام‌مند و برای هر یک از مؤلفه‌ها و به نوبت برای تمامی مؤلفه‌ها انجام می‌شود.

شکل ۲: نقشه موقعیت (نسخه منظم) اندیشه ایران شهری

<p>مؤلفه‌ها/کنشگران انسانی فردی خواجه نظام‌الملک؛ فردوسی؛ هانری کربن، فارابی، سیدجواد طباطبایی</p> <p>مؤلفه‌ها/کنشگران انسانی جمعی اجتماع محلی</p> <p>ساخت‌های گفتمانی کنشگران انسانی فردی/جمعی خرد؛ راستی/نیکویی/خیر؛ نظم؛ نشاط؛ مدیریت تعاض/گفتگو؛ ارتباطات؛ تعامل؛ تعامل و مهر با اجتماع؛ هویت؛ همراهی نظر و عمل/پشتوانه نظری و حکمی/حکمت</p> <p>مؤلفه‌های سیاسی/اقتصادی</p>	<p>مؤلفه‌ها/بازیگران غیرانسانی بشت‌ها؛ دین و آئین؛ دین و ملیت؛ فضای عمومی؛ حوزه عمومی؛ تمدن؛ عرفان و تصوف؛ هویت ایرانی</p> <p>کنشگران/بازیگران خاموش/ادخیل پیشامدهای کلیدی حاضر در موقعیت ساخت‌های گفتمانی بازیگران غیر انسانی</p> <p>نظم؛ هماهنگی با محیط/طبیعت/مهر با طبیعت؛ آموزشی و تعلیمی؛ زیست‌پذیری؛ قائمیت به ذات؛ وحدت در کثرت</p> <p>مؤلفه‌های نمادین/اجتماعی فرهنگی آئینی؛ نیرویی خدایی؛ قلمرو آسمانی؛ نمادین بودن؛ بهشت زمینی؛ آرمانی؛ رفاه و آبادانی؛ حقیقتی یگانه؛ پایداری/ثبات فرهنگی؛ ورجمکرد؛ شهری خیالی سهروردی؛ عالم معنوی ایرانی؛ ایران‌ویچ؛ روح ایرانی؛ عدالت.عدل؛ امنیت؛ جنبه کیهانی؛ کیمیاگری؛ آسمانی بودن؛ سلام/آرامش/تسکین</p> <p>مؤلفه‌های فضایی تاسیسات شهری؛ تاسیسات آب‌رسانی؛ ورجمکرد؛ فراسرزمینی</p> <p>موضوعات/ابحث‌های عمده عمارت</p>
<p>مؤلفه‌های زمانی مکتب اصفهان؛ صفویه؛ ساسانیان؛ دوره اسلامی؛ زمان‌مندی</p> <p>گفتمان‌های مرتبط (تاریخی، روایی و/یا بصری) مکتب اصفهان؛ ورجمکرد؛ شهر خیالی سهروردی؛ اسطوره</p>	

به دلیل ماهیت تحلیل رابطه، در هر تحلیل موقعیت نقشه‌های رابطه بسیاری ترسیم می‌شوند که امکان ارائه تمامی آنها در حجم یک مقاله میسر نیست، اما ترسیم آنها یکی از بخش‌های ضروری تحلیل است. نقشه‌های رابطه می‌توانند به پژوهشگر کمک کنند

تا تصمیم بگیرد که کدام داستان‌ها - کدام ارتباطات - باید تعقیب شوند. به تبعیت از پرسش پژوهش، در مقاله حاضر بر مؤلفه‌های مربوط به شهر خوب تمرکز شده است، اما باید توجه داشت انجام مراحل پیشین ضمن ارائه تصویری روشن از موقعیت مورد بررسی، پژوهشگر را در امر جست‌وجو و دستیابی به منابع هدایت می‌کند، چیزی که در منطق نظریه زمینه‌ای به‌عنوان نمونه‌گیری نظری از آن یاد شده است.

پس از ترسیم نقشه‌های موقعیت و بررسی رابطه میان مؤلفه‌های مختلف موجود در این نقشه‌ها و نگارش یادداشت‌های تحلیل در هر مورد، کدها و مفاهیم حاصل از کدگذاری حول محور مؤلفه‌های شکل شهر و براساس تم مشترک به هم مرتبط شده و زیرمقوله‌ها شکل گرفتند. این روند تا نیل به اشباع ادامه یافت. اشباع با کار مداوم بر روی نقشه‌ها به دست آمد، بر این اساس مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها اضافه می‌شدند، اضافه می‌گشتند، با هم ترکیب می‌شدند، به زیرمقوله‌ها شکسته می‌شدند تا به نقطه‌ای رسیده شد که از دید پژوهشگران تمامی مؤلفه‌های اصلی - براساس داده‌های مورد مطالعه - مورد توجه قرار گرفته و شناسایی شدند. در این فرایند، در مرحله اول ۱۴۴ مفهوم به دست آمد. این مفاهیم بیانگر دیدگاه کلی گفتمان ایران شهری درخصوص ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر خوب است. در مرحله بعد مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۱۵ زیرمقوله و ۵ مقوله طبقه‌بندی شده‌اند. این مقوله‌ها از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و بیانگر مؤلفه‌های شهر خوب در گفتمان ایران شهری هستند. در ادامه به شرح و توصیف هر یک از مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها با ارجاع به متون و داده‌های کدگذاری شده پرداخته می‌شود. این بخش با ارجاع مکرر به متون و اسناد مورد بررسی انجام پذیرفته است؛ زیرا در منطق نظریه زمینه‌ای - و به تبع آن تحلیل موقعیت - استفاده از واژگان حقیقی مشارکت‌کنندگان و بیان ارتباط ادبیات موجود با مقوله‌های ظاهر شده در نظریه از مهم‌ترین راهبردهای مرتبط با افزایش اعتبار پژوهش برشمرده شده‌اند (چیووتی و پیران، ۲۰۰۳: ۴۳۱).

۱- زیست‌پذیری

شهر خوب در گفتمان ایران شهری باید زیست‌پذیر باشد. مفهوم‌هایی مانند امنیت، ایمنی، شادی، شادکامی، رفاه و آبادانی، عمارت، تأسیسات شهری، فضای عمومی و غیره به‌عنوان ویژگی‌های شهر خوب به کرات در این گفتمان به چشم می‌خورند که می‌توان آنها را ذیل سه زیر مؤلفه امنیت، رفاه و کفایت طبقه‌بندی کرد. در ادامه به هر یک پرداخته می‌شود.

تفکر ایران‌شهری به امنیت توجه بسیار داشته است به طوری که شهر در این گفتمان باید نماد امنیت باشد، این امنیت ابعاد مختلفی دارد، در یکی از متون مورد بررسی آمده است «نه تنها ایران‌شهر باید نماد رفاه و امنیت و اخلاق باشد، بلکه شهرها هم همین‌طور نماد امنیت فردی - اجتماعی باشند، به‌ویژه امنیت انسانی که مفهوم جدیدی است» (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۸). اهمیت امنیت در شهر در دیدگاه نویسندگان و متفکران ایرانی در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. نمونه زیر به اهمیت امنیت در آنچه نیکوشهر نامیده شده اشاره دارد: «بیهقی می‌گوید من که بولفضلم پیش از تعیین لشکر در شهر رفته بودم، سخت نیکو شهری دیدم همه دکان‌ها درگشاده و مردم شادکام. این نیکو شهر دوتا ویژگی دارد؛ یک اینکه دکان‌ها درگشاده هستند یعنی امنیت دارند...» (خانیک، ۱۳۹۴: ۴). زیر مؤلفه بعدی از زیست‌پذیری در گفتمان ایران‌شهری رفاه است. تمنای رفاه برای ملک و به تبع برای شهر سابقه‌ای طولانی در اندیشه ایران‌شهری دارد. «داریوش بزرگ دعای معروفی دارد که می‌گوید خدایا این کشور را از قحطی و دروغ و دشمن حفظ کن. در واقع در نقطه مقابل قحطی، رونق، رفاه اقتصادی، برابری اقتصادی و شکوفایی اقتصادی قرار دارد» (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۸). در بحث‌های پیشین و در ذیل نقشه موقعیت، جایگاه خواجه نظام‌الملک به‌عنوان یکی از کنشگران انسانی اندیشه ایران‌شهری مطرح شد. «به نظر می‌رسد فهم خواجه از فرّ الهی نه براساس آنچه در ایران باستان پردازش شده است، بلکه چنان‌که ذکر آن رفت، بر دانایی و عدالت فرمانروا جهت برقراری امنیت و رفاه نسبی مردم برای جلوگیری از زیان‌های بیشتر تکیه دارد» (خلعتبری و دلیر، ۱۳۸۸: ۳۷). از سوی دیگر زیست‌پذیری در اندیشه ایران‌شهری مستلزم کفایت کمی تأسیسات و زیرساخت‌های شهری دانسته شده است. با بازگشت به ورجمکرد - به‌عنوان یکی از نخستین شهرهای اسطوره‌ای ایران - می‌توان نمونه‌های فراوانی از لزوم تأمین زیرساخت‌های شهری از جمله آب و معابر را مشاهده کرد که در زیر آمده است: «بدان جا آبها جاری ساز در آبراهه‌ها به اندازه یک هاسر. (حکم ششم [در ساخت ورجمکرد]: آب را در آبراهه‌ها جاری سازید)» (سعیدنیا، ۱۳۷۴: ۴۹۸).

۲- زمان‌مندی

شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری هماهنگ و همراه با مقتضیات زمانی - و مکانی - شکل می‌گیرد. از این موضوع در گسترده‌ترین شکل می‌توان به زمان‌مندی یاد کرد. این مؤلفه دو زیرمؤلفه اصلی دارد یکی ثبات فرهنگی و دیگری بازخوانی (و نه بازگشت) هویتی.

اندیشه ایران‌شهری یک جوهر و اساس ثابت دارد که در بسیط‌ترین مفهوم می‌توان آن را ثبات فرهنگی ایران‌شهر نامید. این ثبات را می‌توان ناشی از وجود حقیقتی واحد برشمرد، مفهومی واحد با مصداق‌های متفاوت، چنان‌که در متن زیر آمده است: «در ترکیب و بازترکیب این نظم‌ها [نظم زمین و نظم مقدس و کیهانی] این مکتب موفق می‌شود مفهومی واحد با مصداق‌های متفاوت و گونه‌گون، با توجه به محیط طبیعی، محیط فرهنگی، زمان و مکان، را در جهان فرهنگی ایران زمین به منصفه ظهور برساند» (حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۱). این مفهوم واحد را می‌توان جوهر اندیشه ایران‌شهری دانست، در این معنا «صحبت از اندیشه ایران‌شهری به این مفهوم نیست که می‌خواهیم به یک اندیشه باستانی برگردیم ...، بلکه می‌خواهیم به جوهر اندیشه ایران‌شهری برگردیم که در دوره‌های گوناگون تاریخی قدرت حل تعارضات تاریخی را دارد و همواره می‌تواند فرهنگ ایرانی را بازتعریف کند» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۲).

از سوی دیگر این مفهوم واحد و این جوهره ثابت در هر دوره رنگ زمانه به خود می‌گیرد، به بیان دیگر صحبت از اندیشه ایران‌شهری، سخن از بازخوانی هویتی است نه بازگشت هویتی، چیزی که در هر دوره به فراخور ویژگی‌های آن عصر انجام می‌شده است. بر این اساس «ذات پویای هویت ایجاب می‌کند که هویت ایرانی نه تنها با توجه به پیشینه تاریخی، بلکه در متن ایران معاصر تعریف شود» (خوارزمی، ۱۳۹۴: ۸). شهر و شکل شهر نیز بستر این بازخوانی است، بستری که تحقق کالبدی - فضایی این فراخوانی را در هر دوره و متناسب با رسم و رنگ و نیاز زمانه ممکن می‌سازد، در این خصوص در یکی از متون مورد بررسی آمده است: «در اندیشه ایران‌شهری و از روزگاران دور، شهر بستری برای تحقق کالبدی - فضایی صور خیالی بوده است، صوری که همیشه و بنا به رسم زمانه عیاری و طنازی کرده و می‌کند. شهر مکانی بوده است برای بازخوانی صور خیالی و در هر زمانی و بنا بر رسم زمانه رختی نو بر قامت خود می‌دوخته است» (حبیبی، ۱۳۹۴: ۷). رختی نو که به پایداری این اندیشه انجامیده است: «بازخوانی اندیشه ایران‌شهری ... همچون شیوه ویژه حکمت ایرانیان در محیط شکننده طبیعی و نیز در برابر رخداد‌های سیاسی طی اعصار موجب پایداری بوده است» (صرافی، ۱۳۹۴: ۱۹).

۳- خرد

خرد همیشه نزد ایرانیان ارج نهاده شده است و نقش اساسی در زندگی ایشان داشته است، چنان‌که حتی می‌توان خرد را با ارزش‌ترین میراث تفکر ایرانی دانست. برای خرد

در گفتمان ایران‌شهری نکات متفاوتی برشمرده شده است. «نکته اول، نیک‌خواهی خداوند است، و از این نیک‌خواهی است که او آفرینش را به خرد می‌آفریند؛ نکته دوم، نتیجه این گزینش است یعنی نیک‌مندی و سودبخشی، همچون جوهری مستقل است؛ نکته سوم، نقش هدایت‌گرانه خرد برای رستگاری و جاودانگی همیشگی است» (بنی‌اردلان، ۱۳۹۴: ۵).

می‌توان سه زیر محور را برای خرد در گفتمان ایران‌شهری تعریف کرد: نظم، تعادل و حکمت.

نظم در گفتمان ایران‌شهری پیشینه‌ای طولانی دارد و به مفهوم قرار گرفتن هر چیز در سر جای خود است، مشابه با مفهوم عدل در اندیشه اسلامی. این نظم در شکل شهر نیز تجلی داشته و به شکل‌گیری شهرهایی منظم منجر می‌شود، «شهر با نظمی آهنگین و با استقرار متین در زمینه فرهنگی و طبیعی پیرامونی موفق به سرایش شعر و موسیقی معماری و معماری شهری در فضا می‌شود» (حیبی، ۱۳۹۴: ۱۱). نظمی که یکی از ویژگی‌های بارز شهرهای ایران‌شهر است. نظم در بازارها در عبارت زیر مورد اشاره است: «بازارهای ایرانی با بازار شهر کوفه که نخستین شهر اسلامی است تفاوت‌های بارزی داشت ... بازارهای ایرانی از نظم و ترتیب فضایی خاصی برخوردار بودند که شباهتی به بازارهای نخستین، مانند شهر کوفه نداشتند» (سعیدنیا، ۱۳۹۴، ۶).

تعادل دیگر زیرمحور مؤلفه خرد است. تعادل از چنان اهمیتی برخوردار است که نبود آن باعث نابودی سرزمین برشمرده شده است، چنان که در عبارت زیر درخصوص دعای داریوش در کتیبه تخت جمشید آمده است: «وقتی داریوش در کتیبه تخت جمشید از خداوند می‌خواهد که سرزمینش را از دشمن و خشکسالی و دروغ محافظت کند، منظورش از دروغ در واقع بر جای اصلی خود قرار نداشتن چیزهاست که باعث بر هم خوردن تعادل پایدار سرزمین و در نهایت منجر به نابودی آن می‌شود» (بهشتی، ۱۳۹۴: ۶). در گفتمان ایران‌شهری عدالت، وجه دیگر تعادل است. در این اندیشه رفاه و آبادانی ملک به عدالت موكول شده است.

حکمت در تار و پود اندیشه ایران‌شهری بافته شده است، و در تمام شئون زندگی ایرانیان حضور دارد و کلیت حیات ایشان را شکل می‌دهد. بر این اساس حکمت ایران‌شهری در تمام امور و از جمله ساماندهی شهری، نظر و عمل را هم‌راستا می‌داند و بر پشتوانه حکمی و نظری برای هر اقدام عملی تأکید دارد: «در اندیشه ایران‌شهری نظر و عمل از هم جدایی ناپذیرند، هر نظری تا به عمل در نیاید مصداق نمی‌یابد و هر عمل

بی‌پشتوانه نظری امری بیهوده است و مهم‌تر از آن، عمل ناظر به کیفیتی است که ممکن است در ظاهر دیده نشود» (حبیبی، ۱۳۹۴: ۴).

۴- هویت

شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری شهری با هویت است. هویت در گفتمان و اندیشه ایران‌شهری سه وجه مشخص و متمایز دارد، این سه وجه که همراه با هم یکی از مؤلفه‌های اصلی شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری را شکل می‌دهند عبارتند از هویت آسمانی، هویت آئینی و هویت ملی.

اندیشه ایرانی می‌خواهد همه چیز را آسمانی بداند. بدین ترتیب شهر در گفتمان ایران‌شهری جلوه‌ای از بهشت است، «آرزوی جامعه ایرانی مصداق‌های زمینی هم پیدا می‌کند، بهشت زمینی هم هست. گاهی باید در اساطیر آن را دنبال کنیم ... گاهی در متون دینی یعنی مشخصاً در متون و ادبیات دینی، گاهی دل‌مشغولی فیلسوفان است، گاهی دغدغه شاعرانه است، گاه در مضامین و مفاهیم عرفانی دید، به‌خصوص وقتی که سرجمع می‌شوند در معماری و ساخت شهر می‌توانیم ببینیم که در واقع یک مجموعه پیچیده و پراکنده‌ای است» (خانیکی، ۱۳۹۴: ۴). و این‌گونه است که عناصر گوناگون همراه با هم برای تجلی این بهشت آسمانی بر روی زمین به خدمت گرفته می‌شوند. «آب، خاک، هوا، یا گیاه یا آب و باد، و خاک و نور که به شهر جنبه‌ای کیهانی می‌بخشند. جنبه نظم کیهانی در شهر ایران‌شهری یعنی نور. در این شهر نور عشوهری‌ها می‌کند، طنزهای دارد و بازی‌ها می‌کند» (حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۰).

وجه بعدی هویت در اندیشه ایران‌شهری، هویت آئینی است. هر نوع تصمیمی در مورد شهر و شکل شهر و هر نوع خوانشی از شهر خوب در گفتمان ایران‌شهری باید ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دینی را مورد توجه قرار دهد. در اندیشه ایران‌شهری دین و ملیت با یکدیگر همبسته‌اند. «ایران کشوری است که از آغاز تاکنون دین و ملیت در آن با یکدیگر پیوند داشته و جدایی‌ناپذیر بوده‌اند. به همین جهت وقتی عده‌ای سعی می‌کنند پدیده‌های تمدنی ایران را صرفاً ملی و یا صرفاً مذهبی تحلیل کنند با مشکلات مفهومی بزرگی رو به رو می‌شوند، زیرا اغلب این تحلیل‌ها در چهارچوب ایدئولوژی‌های تک بعدی انجام می‌پذیرد و نتایج نامطلوب و نادرستی به بار می‌آورند» (سعیدینا، ۱۳۹۴: ۴). این اهمیت به اندازه‌ای است که برخی از متون مورد بررسی بنیاد شهر در ایران باستان را عملی آئینی دانسته‌اند: «در ایران باستان ساختن و بنیان نهادن شهر عمل آئینی است و

هدف از آن به وجود آوردن قلمرویی است که سایه یا بازتابی از یک قلمرو آرمانی باشد» (امین‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴).

در کنار دین و آئین، ملیت دیگر جنبه سازنده هویت ایرانی است. البته هم‌چنان‌که اشاره شد این ملیت با دین در هم آمیخته است: «کربن در کتاب اسلام ایرانی خود تعبیر اسلام ایرانی را، به کار می‌برد. در ابتدای این کتاب، کربن اشاره کرد که من نمی‌خواهم بگویم که اسلام ایرانیان، یعنی اسلامی که ساخته و پرداخته ایرانیان است. می‌خواهم بگویم که اسلام در عالم ایرانی به چه معناست! ... کربن می‌گوید ایرانیان در عالمی به سر می‌برند که مرادش تقریباً همان چیزی است که ما به آن می‌گوییم: ایران‌شهر» (پازوکی، ۱۳۹۴: ۱۳). این هویت ملی یکی از ویژگی‌های اصلی و مؤلفه‌های مهم درخصوص شکل شهر خوب در گفتمان ایران‌شهری است، یعنی شهر باید بازنمایی و تجلی میراث معنوی، فرهنگی و معماری ایران باشد.

۵- تعامل

مؤلفه آخر شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری تعامل است که از سه زیرمؤلفه تشکیل شده است: رواداری، مهر با طبیعت و تعامل و مهر با اجتماع.

رواداری یکی از ویژگی‌های اصلی گفتمان ایران‌شهری است به طوری که در برخی متون مورد بررسی این رواداری یا مدیریت تعارض به‌عنوان اصلی‌ترین عامل پایداری این تفکر برشمرده شده است: «حال اگر اندیشه ایران‌شهری یک فرهنگ در حال تغییر و بازتعریف تاریخی باشد، پس چه فرهنگی می‌تواند پایدار باشد؟ به نظر من عمده‌ترین مسأله‌ای که پایداری یک فرهنگ را حفظ می‌کند، توان حل تعارض یا همان علم سیاست است» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۹). این رواداری و گفت‌وگو تجلیات کالبدی بسیاری در شهرهای ایران‌شهر داشته است، یکی از مهم‌ترین تجلیات آن در شکل شهر فضاهای گفت‌وگویی است که در سطوح مختلف شکل گرفته‌اند: «در بحث ایران‌شهر به هر کدام می‌توانیم بپردازیم و به اصطلاح اشاره‌ای داشته باشیم. مثل سکوها، جلوخان‌ها، میدان‌چه‌ها که کارکردهایی داشته‌اند برای ارتباطات انسانی و آشناتر شدن. وقتی که یک زن امکان تردد و مشارکت وسیع در شهر نداشت کارشان این بود که جلو پیش‌خان خانه می‌نشستند و وقتی از خانه بیرون می‌آمدند با یکدیگر صحبت می‌کردند. و نظرشان هم محدود می‌شد به همان جامعه کوچک خودشان ولی باز هم در همان‌جا بود که شکل می‌گرفتند. به هر حال فضای گفت‌وگویی ایجاد می‌کند» (خانیک، ۱۳۹۴: ۷).

شهر در گفتمان ایران شهری با طبیعت رابطه‌ای تنگاتنگ دارد «ایران شهر، باید بتواند طبیعت را در درون شهر بازسازی کند. بدون آن، شهر عرصه مناسبی برای نقش‌آفرینی و شادزیستی انسان ایرانی نخواهد بود» (خوارزمی، ۱۳۹۴: ۱۶). چنین پیوندی با طبیعت، شهر را مکان تسکین تبدیل کرده و باعث پایداری آن می‌شود: «با چنین باور ایران شهری، پیوند جسم و جان انسان‌ها در شهر و با محیط، آن را مکان تسکین و سکونت همیارانه و پایدار می‌کند» (صرافی، ۱۳۹۴: ۲۴).

زیر مؤلفه آخر در این مؤلفه، تعامل و مهر با اجتماع است. «معرفتی که بنی آدم را در هر کجا، اعضای یک پیکر می‌داند و به اجتماعی از اجتماعات با مرجعیت باورهای وحدت‌بخش فراسرزیمینی قائل است» (صرافی، ۱۳۹۴: ۲۰). به تبع این تفکر شهر خوب در اندیشه ایران شهری مملو از فضاهایی است که مناسبت‌های اجتماعی را تشویق می‌کند. «عرصه‌هایی را در شهر ایرانی می‌توان دنبال کرد که در آن چهره ارتباطات انسانی و زمینه‌هایش وجود دارد و اینها در گذار مدرنیته نابود می‌شود. یعنی ما در شهر جدیدش نداریم» (خانیک، ۱۳۹۴: ۴).

شکل ۳: مولفه‌های شکل شهر خوب در اندیشه ایران شهری



نتیجه‌گیری

شهر خوب در اندیشه ایران شهری واجد ویژگی‌هایی است که چنان‌که پیشتر استدلال شد می‌تواند برای فهم سنت‌های اندیشگی و گفتمان‌های متقابل در جامعه ایران، و از

آن طریق خلق محیطی متناسب با آن، مورد استفاده قرار گیرند. مقاله حاضر در پی تبیین و ارائه این ویژگی‌ها به تحلیل اندیشه ایران‌شهری با استفاده از روش تحلیل موقعیت پرداخته است و مؤلفه‌های زیست‌پذیری، زمان‌مندی، خرد، هویت و تعامل را به‌عنوان ویژگی‌های شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری معرفی کرده است، ویژگی‌هایی که ورای گسست‌های تاریخی، نوعی تداوم در تاریخ اندیشه و شهر و شهرسازی تمدن و فرهنگ ایرانی داشته و به مثابه درون‌مایه‌های ثابت و تکرارشونده آن طی قرون متمادی به گونه‌های مختلف حفظ و بازتولید شده است.

شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری زیست‌پذیر است یعنی ایمن است؛ رفاه را برای ساکنان به ارمغان می‌آورد؛ و با فراهم آوردن خدمات و تأسیسات شهری از عملکردهای حیاتی و نیازها و توانایی‌های وی حمایت می‌کند؛ این شهر متناسب با مقتضیات و ویژگی‌های زمانی شکل گرفته است. در این مسیر هم با جوهر و اساس اندیشه ایران‌شهری (چیزی که می‌توان ثبات فرهنگی ایران‌شهر نامید) هماهنگ است و هم در هر دوره به بازتعریف هویتی خود اقدام می‌کند؛ از سوی دیگر شهر خوب منظم است، یعنی در آن هر چیز در جای خود استقرار یافته است؛ متعادل است، تعادلی همبسته و همراه با عدل و عدالت؛ و در آن نظر و عمل هم‌راستا با هم عمل می‌کنند، هر اقدام عملی واجد پشتوانه حکمی و نظری است و هر دیدگاه نظری مصداق و تجلی عملی می‌یابد؛ ویژگی دیگر شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری مسأله هویت نمادین آن است، هویتی که از سه سرچشمه جاری شده است: شهر جلوه‌ای از بهشت است و هویتی آسمانی دارد؛ با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دینی هماهنگ است و هویتی آئینی دارد؛ و با ملیت ایرانی هماهنگ است و هویتی ملی دارد؛ و در نهایت، این شهر محل تعامل و ارتباط است. امکان مدیریت گفت‌وگو را فراهم می‌آورد؛ با طبیعت رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ و مملو از فضاهایی است که مناسبت‌های اجتماعی را تشویق می‌کنند و بدین ترتیب محل تعاملات اجتماعی است.

بر این اساس شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری واجد ویژگی‌ها و خصوصیات است که آن را به محیطی هماهنگ با حیات فکری، اجتماعی، دینی و فرهنگی ایرانیان مبدل می‌کند. برخی از مؤلفه‌های پنج‌گانه برشمرده شده در این نوشتار به‌عنوان مؤلفه‌های شهر خوب در اندیشه ایران‌شهری، در آثار و نظریات سایر نویسندگان نیز مشاهده می‌شوند. در این خصوص به دو مسأله باید توجه شود. نخست آن‌که به‌رغم

شباهت در عناوین، محتوای این اصول در فرهنگ‌های مختلف و براساس زیربناهای ارزشی - فکری گوناگون متفاوت است؛ برای نمونه، آنچه در گفتمان ایران شهری هویت خوانده می‌شود، مفهومی متمایز از این اصطلاح در فرهنگ‌های دیگر دارد. نکته دوم متوجه گستردگی و جهان‌شمول بودن برخی از ارزش‌ها است. برای نمونه اموری همچون عدالت، امنیت، رابطه با طبیعت در فرهنگ‌های مختلف واجد ارزش هستند که این مسأله میزانی از شباهت را توجیه می‌کند. با این حال مؤلفه‌های پنج‌گانه پیش گفته (همراه با زیرمؤلفه‌ها) باید همراه با یکدیگر و به صورت یک مجموعه به‌عنوان ویژگی‌های شهر خوب در اندیشه ایران شهری مورد توجه قرار گیرند، نه به صورت مجزا و منفک از یکدیگر.



منابع

- آخوندی، عباس (۱۳۹۴)؛ *روز معمار (نشست اول از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- احمدی، حمید (۱۳۹۵)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی (نشست سیزدهم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- استراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۲)؛ *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، تهران: نشر نی.
- بستانی، احمد (۱۳۹۳)؛ «اندیشه سیاسی ایران شهری در دوره اسلامی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری*، ش ۱۵، صص ۱۵۵-۱۲۱.
- بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۹۴)؛ *معرفت‌شناسی متفکران ایرانی با رویکرد هنر (نشست سوم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۴)؛ *بازخوانی مفهوم ایران شهر (نشست هفتم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- پازوکی، شهرام (۱۳۹۴)؛ *جایگاه عرفان و تصوف ایرانی در اندیشه ایران شهری (نشست نهم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۴)؛ *شهر در اندیشه ایران شهری (نشست پنجم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- خانیکی، هادی (۱۳۹۴)؛ *شهر ایرانی به مثابه زمینه ارتباطات انسانی ضرورت مطالعه عرصه‌های شهری و حوزه عمومی از شارستان تا امروز (نشست چهارم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- خوارزمی، شهین‌دخت (۱۳۹۴)؛ *چارچوبی برای طراحی مدل تحلیلی ایران شهر (نشست ششم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۴)؛ «اندیشه شهرسازی در نخستین شهر اسطوره‌ای ایران»، مقاله ارائه شده در کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- ----- (۱۳۹۴)؛ *تحلیلی از شهر ایرانی - اسلامی (نشست دوم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- سیف‌الدینی، حسین (۱۳۹۶)؛ «بازتاب ایده ایران شهری در تاریخ‌نگاری و دولت‌داری عصر نادرشاه افشار»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۶۹، صص ۲۲-۳.
- صرافانی، مظفر (۱۳۹۴)؛ *توسعه فضایی پایدار در پرتو اندیشه ایران شهری (نشست دهم از سلسله نشست‌های اندیشه و تمدن ایران شهری)*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۱)؛ *ابن خلدون و علوم اجتماعی*، تهران: ثالث.
- عبدی‌دانشپور، زهره (۱۳۹۰)؛ *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قادری، حاتم؛ رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۵)؛ «اندیشه ایران شهری (مختصات و مؤلفه‌های مفهومی)»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ش ۵۹، صص ۱۴۸-۱۲۳.

- لینچ، کوین (۱۳۸۴): *تنوری شکل شهر*، ترجمه حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محامدتبریزی، عطا (۱۳۹۶): «ایران شهری، عامل بقا یا استبداد؟ درنگی بر آرا سیدجواد طباطبایی و محمدعلی همایون کاتوزیان»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۱۳، ش ۴۷، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۴): *ایران شهر: از نوستالژی تا واقعیت*، تهران: دبیرخانه طرح توسعه اندیشه ایران شهر.
- Amin, Ash. (2006); The good city, *Urban studies*, 43 (5-6), 1009-1023.
- Banai, R. (1996); A theoretical assessment of the 'neotraditional' settlement form by dimensions of performance, *Environment and Planning B: Planning and Design*, 23 (2), 177-190.
- Chiovitti, Rosalina F, & Piran, Niva. (2003); Rigour and grounded theory research, *Journal of advanced nursing*, 44 (4), 427-435.
- Clarke, Adele E, Friese, Carrie, & Washburn, Rachel. (2015); *Situational analysis in practice: Mapping research with grounded theory*, (Vol. 1): Left Coast Press.
- Clarke, Adele E. (2007); *Grounded theory: Critiques, debates, and situational analysis*, The SAGE handbook of social science methodology, 423-442.
- Clarke, Adele. (2005); *Situational analysis: Grounded theory after the postmodern turn*: Sage.
- Fainstein, Susan S. (1999); Can we make the cities we want, *The urban moment*, 249-272.
- Fainstein, Susan. (1994); *Justice, politics, and the creation of urban space*: na.
- Flyvbjerg, Bent. (1998); *Rationality and power: Democracy in practice*: University of Chicago press.
- Forester, John. (1988); *Planning in the Face of Power*: Univ of California Press.
- Friedmann, John. (2000); The good city: In defense of utopian thinking, *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(2), 460-472.
- Gordon, Colin, Burchell, Graham, & Miller, Peter. (1991); *The Foucault effect: Studies in governmentality*: Wheatsheaf.
- Harvey, David, & Braun, Bruce. (1996); *Justice, nature and the geography of difference* (Vol. 468): Wiley Online Library.
- Healey, Patsy. (2003); Collaborative planning in perspective, *Planning theory*, 2 (2), 101-123.
- Judge, David, Stoker, Gerry, & Wolman, Harold. (1995); Urban politics and theory: An introduction, *Theories of urban politics*, 1-12.
- Leccese, Michael, & McCormick, Kathleen. (2000); *Charter of the new urbanism*: McGraw-Hill Professional.
- Talen, Emily, & Ellis, Cliff. (2002); Beyond relativism: Reclaiming the search for good city form, *Journal of Planning Education and Research*, 22(1), 36-49.